

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان اختلاف خانوادگی در بوشهر

دکتر محمد زاهدی اصل*

سید مجید حسینی**

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۱۲

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان اختلاف خانوادگی می باشد. در این پژوهش با روش پیمایش اطلاعات ۴۰۰ خانوار با استفاده از پرسشنامه و به روش نمونه گیری خوشه ای، جمع آوری شد و مورد بررسی قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیات به روش همبستگی رتبه ای کندال ($\tau-b$) و رگرسیون چند متغیره صورت پذیرفته و نتایج ذیل بدست آمده است:

بین مهارت‌های ارتباطی زن و شوهر و میزان اختلاف خانوادگی، بین میزان یادگیری اختلاف در خانواده پدری و میزان اختلاف خانوادگی و بین میزان دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی و میزان اختلاف خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد، که بر این اساس هر سه فرضیه تأیید شدند. ولی فرضیه پایگاه اجتماعی خانواده و میزان اختلاف خانوادگی تأیید نشد. نتایج رگرسیونی نیز ضریب تعیین را ($R^2 = 0/378$) مشخص کرده است، مقدار ضریب نشان می‌دهد که ۳۷/۸ درصد تغییرات در میزان اختلاف خانوادگی به چهار متغیر یاد شده مربوط می‌باشند. در مورد اهمیت و نقش متغیرهای مستقل در پیشگویی متغیر وابسته، از ضریب بتا استفاده گردیده که سهم هر کدام به ترتیب در مقایسه با یکدیگر به شرح ذیل می‌باشد:

مهارت‌های ارتباطی زن و شوهر ($-0/635$)، میزان دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی ($0/239$)، پایگاه اجتماعی خانواده ($-0/089$) و میزان یادگیری اختلاف در خانواده پدری ($0/035$) می‌باشد.

در پایان این نتیجه به دست آمد که می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان گفت: بین عوامل اجتماعی مؤثر و میزان اختلاف خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: اختلاف خانوادگی، مهارت‌های ارتباطی، پایگاه

اجتماعی - اقتصادی، یادگیری اجتماعی

بیان مسأله

بی تردید یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه، نهاد خانواده است. اهمیت خانواده به این دلیل است که نه تنها محیط مناسبی برای همسران است بلکه زمینه جامعه‌پذیری و تربیت نسل‌های آتی را نیز به عهده دارد. اجتماعی که از خانواده سالم تشکیل شده باشد مسلماً اجتماعی سالم است و شرط آن که خانواده‌ای سالم باشد این است که اعضای آن خانواده سالم باشند. در حال حاضر بعضی از خانواده‌ها دچار انواع

آسیب‌پذیری و بحران می‌باشند که برخی از آنها عبارتند از: طلاق، اختلاف، تضادهای زناشویی و... این بحران‌ها موجب می‌شود که خانواده نتواند به عملکردهای خویش - یعنی جامعه‌پذیری فرزندان، تزریق عاطفه و وجدان اخلاقی به مجموعه عناصر خویش - عمل کند. هرگاه بنیان عاطفی خانواده که از همبستگی میان اعضاء سرچشمه می‌گیرد متزلزل شود، تصور سایر آسیب‌های اجتماعی نیز دور از ذهن نخواهد بود (گیدنز، ۱۳۸۳: ۴۴۶).

امروزه میزان زیادی از نابهنجاری‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و بهداشت روانی ناشی از ارتباط‌های مختل، تعارض‌ها، کشمکش‌های درون خانوادگی و ناتوانی در حل مسائل زندگی است (Goldberg, 2003: 87).

از آنجا که همه نهادهای اجتماعی با هم کنش متقابل دارند بنابراین خانواده نیز به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی نه تنها از این قاعده مستثنی نیست بلکه تأثیر همه جانبه بر سایر نهادها می‌گذارد. اگر در اجتماع نابسامان امروزی (جامعه در حال گذار ایران). خانواده‌ها دچار مشکل گردند، معضلات اجتماعی از قبیل طلاق (ساروخانی، ۱۳۷۲: ۴۷). بزهکاری کودکان؛ خودکشی (ستوده، ۱۳۸۳: ۲۴۰). و... بروز خواهند کرد، زیرا این نهاد اجتماعی در همبستگی و گسستگی اجتماعی افراد تأثیر بسزایی دارد. در جریان ازدواج و یک ارتباط طولانی و دراز مدت، رفتارهای ویژه‌ای بین مردان و زنان بوجود می‌آید که آن‌ها را نسبت به یکدیگر بیگانه می‌سازد. بحث‌ها، مشاجره‌ها، بیان آشکار خشم نسبت به دیگری، انتقاد بیش از حد و طرد عاطفی از جمله این موارد است. بنابراین یک زندگی زناشویی با ثبات هنگامی بوجود می‌آید که زوجین بتوانند تعارضات اجتناب‌ناپذیر بر روابط شان را حل کنند (Pliubidis, 2003: 105).

تحلیل کشوری آمار اختلاف خانوادگی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۶ تعداد ۲۸۹۳۲۹ پرونده در دادگاه‌های عمومی کشور در این موضوع مختمومه شده اما در سال ۱۳۸۱ این عدد پرونده افزایش به ۴۵۷۳۰۳ پیدا کرده است. درصد تغییرات این نوع

جرائم در سال ۱۳۸۱ نسبت به سال ۱۳۷۶ حدود ۵۸ درصد رشد مثبت داشته است که نشان می‌دهد میزان اختلاف خانوادگی در حال افزایش می‌باشد.

در سال ۱۳۷۶ تعداد ۲۴۷۷ پرونده در زمینه دعاوی خانودگی در بوشهر مختمه شد که این عدد در سال ۱۳۸۱ به ۳۹۷۶ پرونده افزایش یافته است که در صد تغییرات سال ۸۱ نسبت به سال ۷۶ حدود ۶۱ درصد رشد مثبت را نشان می‌دهد. همچنین آمار نشان می‌دهد که در سال‌های ۷۸ و ۷۹ درصد تغییرات استان از درصد تغییرات کشور بیشتر بوده است.

در ایران طبق آمار ارائه شده مهم‌ترین انگیزه خودکشی زنان، اختلاف خانوادگی بوده که گاهی تا میزان ۴۱ درصد خودکشی‌های زنان را شامل می‌شده است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۱۴۳).

تحقیقات نشان می‌دهد که رشد نرخ طلاق از ۷/۹ در سال ۱۳۷۵ به ۱۰/۶ در سال ۱۳۸۲ رسیده است و رشد ۹۱/۳ درصدی طلاق در سال ۱۳۸۲ نسبت به سال ۱۳۷۵، نشان دهنده افزایش میزان اختلاف خانوادگی است (همان، ۱۵). بنابراین یکی از مسائلی که در حال حاضر در جامعه ما بیش از پیش نگران‌کننده و در حال افزایش است، اختلاف خانوادگی می‌باشد.

آمار طلاق در بوشهر از ۳۱۷ مورد در سال ۷۵ به ۸۷۹ مورد در سال ۸۲ رسیده، یعنی رشد ۱۷۷ درصدی طلاق در سال ۸۲ نسبت به سال ۷۵ که آمار بسیار بالایی است.

خانواده به عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که اهمیت آن در جهت توسعه کشور و تربیت نسل خلاق و سالم بر کسی پوشیده نیست. چنانچه این نهاد به دلیل اختلافات و مشکلات اعضای خانواده نتواند کارکردهای خود را به درستی انجام دهد، تأثیر منفی آن بر سایر نهادهای اجتماعی قابل کنترل نخواهد بود. در حقیقت بسیاری از رفتارهای ضداجتماعی، بزهکاری نوجوانان و جوانان و بسیاری دیگر از نابسامانی‌های

عاطفی، روانی و معضلات اجتماعی از اختلاف خانوادگی ناشی می‌شود (معظمی، ۱۳۸۳: ۱۰۹).

بنابراین سؤال اصلی پژوهش این است که عوامل اجتماعی مرتبط بر میزان اختلاف خانوادگی کدام است؟

اهداف تحقیق

بررسی مهارت‌های ارتباطی زوجین و رابطه آن بر میزان اختلاف خانوادگی
بررسی جامعه‌پذیری فرد و رابطه آن بر میزان اختلاف خانوادگی
بررسی پایگاه اقتصادی، اجتماعی زوجین و رابطه آن بر میزان اختلاف خانوادگی

پیشینه پژوهش

مطالعات لیندس (Lindes). نشان داده است که جوانان دارای مسائل شخصی و ناسازگار، بیشتر در خانواده‌های دارای اختلاف خانوادگی دیده می‌شوند تا خانواده‌هایی که به علت مرگ یا طلاق گسیخته شده‌اند. عدم تفاهم بین زن و مرد و وجود اختلاف در زندگی بسیار زیاد است. بعضی‌ها ممکن است تصور کنند وجود اختلاف، خاص خانواده آنان است و در خانواده‌های دیگران اختلاف و بگو مگویی وجود ندارد. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که وجود اختلاف مخصوص بعضی از خانواده‌ها نیست، بلکه در همه خانواده‌ها، سطحی از اختلاف وجود دارد (پناهی، ۱۳۸۰: ۷۹).

نتایج تحقیق کلارک و گری نشان داد که درآمد، تحصیل و شغل با اختلاف زناشویی مرتبط می‌باشند. همچنین دریافتند که عوامل مؤثر بر اختلاف خانوادگی در طبقات اجتماعی تغییر می‌کنند و عوامل اقتصادی - اجتماعی در بین زوجین یا درآمد پایین با کیفیت زناشویی ارتباط بیشتری دارند (Nicolas.p.clark & B Gray little, 1991: 545).

پژوهشی خلیلی در سال ۱۳۷۸ با عنوان «تضاد در خانواده (با تأکید بر تضاد میان همسران). و عوامل مؤثر بر آن» نشان داد که بین تفاوت تحصیلی همسران، یادگیری ناسازگاری والدین، درآمد زن، دخالت دیگران در زندگی زناشویی و تضاد میان همسران رابطه وجود دارد.

مبانی نظری

در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی؛ نظریه‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی در ارتباط با اختلاف خانوادگی مطرح شده است که در ادامه به نظریه‌های یادگیری اجتماعی؛ پایگاه اجتماعی - اقتصادی؛ مهارت‌های ارتباطی و خانواده درمانی پرداخته می‌شود.

نظریه یادگیری اجتماعی^۱

نظریه پردازان یادگیری اجتماعی بر اساس اصول شرطی سازی که قبل از آنها به وجود آمده بودند، دیدگاه گسترده‌ای را در مورد نحوه فراگیری پاسخ‌های جدید توسط کودکان و بزرگسالان پیشنهاد کردند. «آلبرت بندورا» که با نفوذترین نظریه‌پرداز یادگیری اجتماعی است اعلام نمود یادگیرنده از طریق مشاهده رفتار دیگران به یادگیری می‌پردازد؛ یادگیرنده، یعنی مشاهده‌کننده رفتار شخصی دیگری که آن شخص برای انجام آن رفتار پاداش یا تنبیه دریافت می‌کند (سیف، ۱۳۷۹، ۲۸۲).

بنابراین نظریه یادگیری اجتماعی بر تأثیرات متقابل بین رفتار و محیط تأکید دارد و بر الگوهایی از رفتار متمرکز می‌شود که فرد آنها را برای کنار آمدن با محیط خود پرورش می‌دهد. الگوهایی که از راه تجربه مستقیم پاسخ‌های محیط به فرد، یا مشاهده پاسخ‌های دیگران کسب می‌شوند. بدین ترتیب که فرد ابتدا پاسخ مطلوب (رفتار مطلوب). را از رفتاری که نتایج نامطلوبی به بار آورده، جدا می‌کند و آنگاه الگوی توأم

¹. Social learning Theory

با موفقیت را برگزیده و بقیه را کنار می‌گذارد (سیف، ۱۳۷۹: ۵۲۳). برای تبدیل مشاهده به رفتار، لازم است تا آن رفتار در ذهن ثبت شود، آن‌گاه عناصر ثبت شده ذهنی در مرحله بعدی به رفتار مشهود تبدیل می‌شوند. این فرآیند با توجه به میزان مهارت و توانایی افراد متفاوت است (گاتمن، ۱۳۷۷: ۴۹).

نظریه پایگاه اجتماعی - اقتصادی

بیشتر جامعه‌شناسان معتقدند که در همه جوامع انسانی نابرابری وجود دارد، حتی در ساده‌ترین فرهنگ‌ها که اختلاف در ثروت و دارایی به چشم نمی‌خورد؛ نابرابری میان افراد وجود دارد (گیدنز، ۱۳۷۲: ۲۱۹). هر چه افراد در یک جامعه بیشتر بتوانند از بخت‌ها و فرصت‌های زندگی استفاده کنند، از موقعیت اجتماعی بالاتری برخوردار خواهند بود. بنابراین تفاوت‌های اجتماعی - اقتصادی، علاوه بر پدیدآوردن طبقات گوناگون در جامعه، ایجاد یک نوع سلسله مراتب اجتماعی نیز می‌نمایند. طبقاتی در مراتب بالای اجتماعی قرار می‌گیرند و طبقاتی که از کمترین فرصت‌های زندگی برخوردارند در سطح زیرین جامعه قرار می‌گیرند. بنابراین هر جامعه از تعدادی سلسله مراتب عمودی ساخته شده است که مبنای هر یک از آنها مبتنی بر ارزش‌های خاصی است. کسانی که در رده بالای این سلسله مراتب قرار دارند دارای منزلت اجتماعی بیشتر، نیروی بیشتر و قدرت بیشتر از کسانی هستند که در پایین سلسله مراتب قرار گرفته‌اند (محسنی، ۱۳۷۸: ۵۴۸).

همه اشیاء پیچیده دارای یک ساخت می‌باشند، یعنی از مجموعه‌ای از اجزاء به هم پیوسته تشکیل می‌شوند. مهم‌ترین عناصر ساخت اجتماعی عبارتند از: پایگاه‌ها و نهادها. اکنون نظر بر این است که هر فرد یا خانواده یک پایگاه کلی دارد که معمولاً تلفیقی از تعداد زیادی از پایگاه‌های فرعی است. لیتون پایگاه انتسابی و اکتسابی را از یکدیگر جدا می‌کند، زیرا اولی موروثی و دومی حاصل دستیابی به هدف‌هایی است که از طریق فرهنگ تبیین می‌شوند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۳: ۲۹۱).

بدون هیچ شبهه می‌توان پذیرفت خانواده همچون نماد یا برآیندی از ساخت اجتماعی است که در آن امکان تحرک اجتماعی وجود دارد. بنابراین در یک جامعه کاستی هرگز سخن از تحرک اجتماعی نیست و به تبع آن هرگز با ازدواج موجبات سقوط یا ارتقای انسان فراهم نمی‌شود بلکه هرکس در درون گروه اجتماعی خود همسر برمی‌گزیند و راهی جز این نیست.

اما در جامعه مبنی بر طبقات اجتماعی که گروه‌ها به سوی یکدیگر گشوده می‌شوند، رفت و بازگشت انسان‌ها در لابلای طبقات امکان‌پذیر می‌شود. در اینجا مسأله ناهمگنی منشا اجتماعی زوجین یا خانواده طرح می‌شود و یا آن که این پرسش مطرح می‌گردد که هنگام ازدواج (تشکیل خانواده)، انسان‌ها تا چه اندازه امکان خروج از طبقه اجتماعی خویش را دارند؟

والتر ب. میلر^۱ بر شش مسأله مهم و اصلی مربوط به فرهنگ طبقات پایین انگشت می‌گذارد که عبارتند از: ناآرامی و اغتشاش، استقامت و پایداری، آراستگی، شور و شوق، سرنوشت و تقدیر و آزادی عمل. واتر^۲ در شرح خود از سه نوع متفاوت استراتژی بقاء طبقه پایین به مجموعه‌ای از موارد اشاره دارد که عبارتند از: یک سبک زندگی پراحساس که ممکن است منجر به خرسندی بلاواسطه شود؛ یک استراتژی خشونت‌آمیز؛ و یک استراتژی حداقلی. او بیان می‌کند: «زمانی که استراتژی پراحساس شکست بخورد یا زمانی که در دسترس نباشد، وسوسه زیادی برای پذیرش یک استراتژی خشن وجود دارد که براساس آن دیگران را مجبور کند تا آنچه بدان نیاز دارید را به شما بدهند. سرانجام استراتژی حداقلی است که در آن، اهداف به نحو فزاینده‌ای محدود به حداقل ضرورت برای تداوم بقا شده‌اند (lock 8 marker, 1949:87).

¹. W.B.Miller

². Wetter

طبقه اجتماعی با متغیرهای دیگری همبستگی دارد که احتمالاً در ازدیاد تعداد مسائل در خانواده‌ها، گروه‌ها و اقشار پایین‌تر اجتماع نقش دارند، بعضی از ویژگی‌های زندگی در طبقه پایین‌تر و اجتماعی که به عنوان متغیرهای احتمالی مطرح گشته‌اند عبارتند از: فشارهای زیاد روانی، فقر شرایط کار، عدم وجود کنترل بر محیط، سطح پایین تحصیلات و انتقال خانوادگی ارزش‌ها. عاملی که بیشترین توجه معطوف آن است و به راستی هم ممکن است ارتباط دهنده بسیاری از عوامل دیگر باشد، فشار روانی است و در مطالعه میدتون دیده می‌شود که مردم فقیرتر نسبت به مردم ثروتمندتر فشار روانی بیشتری را به شکل اختلافات خانوادگی (زناشویی). تحمل می‌کنند، بنابراین در پایین‌ترین طبقه اجتماعی اختلافات خانوادگی بیش از سایر طبقات به چشم می‌خورد (Gottman, 1979:31).

آمار نیز نشان می‌دهد که بالاترین میزان اختلاف خانوادگی در بین طبقه اقتصادی - اجتماعی پایین است، زیرا عدم امنیت مالی موجب بی‌ثباتی زندگی، عدم رضایت از زندگی و ازدواج می‌شود که اینها نیز موجب اختلاف خانوادگی می‌شوند (Nakonezny & Rodgers, 1995:98).

نظریه مهارت‌های ارتباطی^۱

ارتباطات سالم برای پرورش یک خانواده بسیار حیاتی است. برای همسرانی که از توانایی مهارت‌های ارتباطی برخوردارند، پدر یا مادر بودن از بهترین و لذت‌بخش‌ترین تجربه‌های زندگی‌شان خواهد بود. آن‌گاه که والدین دارای مهارت بسنده برای ایجاد ارتباطات مناسب در محیط خانواده نباشد، نتیجه آن نگرانی شدید، اختلاف، انزوا، تنهایی برای آنان و فرزندان می‌باشد (بولتون، ۱۳۸۲: ۶).

ارتباطات بی‌روح بین افراد باعث شکاف بین انسان‌ها شده است. چیزی که در تمام شئون زندگی و در تمام طبقات جامعه دیده می‌شود (همان: ۴). به همین دلیل در سال‌های اخیر توجه زیادی به بحث تعامل اجتماعی ماهرانه شده است. در همین رابطه «سگرین»^۱ خاطر نشان می‌سازد که «تقریباً پژوهشگران تمام رشته‌های علوم اجتماعی به مفهوم مهارت اجتماعی علاقمند شده‌اند که نشان‌دهنده اهمیت ارتباطات می‌باشد» (Gillin, 1917: 72).

به عقیده «ویرجینا ستیر»^۲ ارتباط چتر بزرگی است که تمام آنچه را که بین آدمیان می‌گذرد در برمی‌گیرد و بر آن اثر می‌گذارد، به اعتقاد او از تولد یا پنج سالگی بیش از یک میلیارد ارتباط برقرار می‌شود که فرد در محاصره این ارتباطات شکل می‌گیرد (موسوی، ۱۳۸۲: ۲۷).

وی معتقد است ارتباط ما بزرگترین عامل منفردی است که بر سلامت انسان و رابطه‌اش با دیگران اثر می‌گذارد. اگر زن و شوهر نسبت به هم برخورد‌های سترون و بی‌جان داشته باشند سرانجام احساس خستگی و کسالت می‌کنند و کسالت آنان را به بی‌اعتنایی می‌کشاند که یکی از بدترین انواع احساسات انسانی و یکی از دلایل واقعی اختلاف زناشویی است. ستیر بیستر معتقد است که همبستگی مستقیمی بین عزت نفس و ارتباط وجود دارد (ستیر، ۱۳۸۳: ۷۵). در بر آوردن نیازهای عاطفی هر فرد، ارتباط اهمیتی خاص دارد خواه این ارتباط رضایت‌بخش باشد و خواه رضایت‌بخش نباشد. در هر حال هدف درمان باید اصلاح ارتباط باشد. ضمناً هر چه تعداد فرزندان در خانواده بیشتر باشد، فشار بیشتری بر روی ارتباط زناشویی وارد می‌شود (markman, 1998: 61).

¹. Segrin

². Virginia satir

نظریه‌های خانواده درمانی^۱

مسائل و مشکلات روحی و روانی زوجین را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن سیستمی که در آن زندگی می‌کنند، مورد بررسی قرار داد. یکی از عواملی که زندگی مشترک زن و مرد را تضعیف می‌کند و در مواردی متزلزل می‌سازد، دخالت‌های اطرافیان زن و مرد است. خواه این اطرافیان از فامیل‌های بسیار نزدیک و خواه از غیرفامیل از قبیل همسایگان و آشنایان دور و نزدیک باشد (Whittington & Huppert, 2003: 127).

سالوا دورمینوچین^۲

هر خانواده دارای زیر منظومه‌هایی متشکل از اعضای آن است، خانواده وظایف خود را از طریق زیر منظومه‌های خود متمایز و اجرا می‌کند (مینوچین، ۱۳۷۳: ۴۵). با این که خانواده‌ها منظومه‌های چند نفری بسیار پیچیده‌ای هستند، خود نیز زیر منظومه‌هایی از واحدهای بزرگتری مانند خانواده گسترده، محله و جامعه به عنوان یک کلیت تلقی می‌شوند. مرادو یا تعامل با این جزء کل‌های بزرگتر، نقش به‌سزایی در بروز مشکلات و وظایف خانواده و منظومه‌های حمایتی آن بازی می‌کند. به علاوه خانواده‌ها دارای زیر منظومه‌های متمایزی می‌باشند. هر فرد به تنهایی همچون واحدهای دو نفری مانند زن و شوهر، یک زیرمنظومه است. زیر گروه‌های بزرگ‌تر متشکل از افراد یک نسل (مانند منظومه‌های خواهر، برادری). یک جنس (مانند پدر بزرگ، پدر و فرزندان پسر آنها). و یا افراد هم‌وظیفه (مانند زیر منظومه‌های والدینی) می‌باشند (مینوچین: ۱۳۸۱: ۳۷). هر کدام از اعضای خانواده و هر کدام از زیرمنظومه‌ها دارای مرز می‌باشند. مرزهای یک زیرمنظومه عبارت است از: مقرراتی که معین می‌کند

1. Family Therapy

2. Salvador Minuchin

چه کسی و چگونه جزء و این زیر منظومه است». مرز روابط یک فرد، برگرفته از وظایف و حقوق مربوط به آن فرد می‌باشد (Pliubidis 8 Abbott, 1991: 163). زیرمنظومه‌های خانواده عبارتند از: زیر منظومه پدر بزرگ و مادر بزرگ، زیر منظومه زن و شوهری، و زیر منظومه والدین که در ادامه توضیح داده خواهند شد.

۱- زیر منظومه پدر بزرگ و مادر بزرگ:

زیر منظومه پدر بزرگ و مادر بزرگ با زیرمنظومه پدر و مادر و همچنین فرزندان دارای مرز مشترک است. پدر بزرگ و مادر بزرگ ممکن است ضوابط مرز زیر منظومه خود را رعایت نکرده و در مشکلات فرزند یا پدر و مادر نقش ایفا کنند. در برخی از موارد پدر و مادر ممکن است تحت تأثیر راهنمایی‌های اشتباه و تحریکات پدر و مادر خود قرار بگیرند و درگیری‌هایی را درون سیستم خود ایجاد نمایند، این گونه درگیری‌ها تأثیرات نامطلوب فرزندان خواهد گذاشت. در این جا نیاز است والدین و نیز بزرگ‌ترها بین احترام، شأن و منزلت والدین و هم چنین دخالت، تفاوت قائل شوند.

۲- زیر منظومه زن و شوهری (جزء کل زن و شوهری)^۱

این زیر منظومه می‌تواند پناهگاه یا مفری برای رهایی از فشارهای جهان خارج باشد. در این زیر منظومه هر یک از زن یا شوهر می‌توانند وجوه خلاق، ولی نهفته همسر خود را فعال سازند. ولی ممکن است یک همسر طوری از همسر خود حمایت کند که او را از پویایی و تحرک باز دارد. البته این یک مسأله دو جانبه است، یعنی همسر دیگر هم با مهارت زیاد و حمایت غیرلازم، همسر خود را برمی‌انگیزد. یکی از وظایف حیاتی زیر منظومه زن و شوهری گستره‌بخشی به مرزهایی است که ضمن حمایت از زوجین، امکاناتی را در اختیار زن و شوهر بدون هیچ‌گونه دخالتی از جانب بستگان درجه یک، فرزندان و افراد دیگر قرار می‌دهد که نیازهای فیزیولوژیکی‌شان را

¹. The Spouse Holon

رفع کنند. وجود این مرزها در حد کافی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ماندگار ساخت خانواده است. با اینکه این زیرمنظومه پایگاه امنی برای زن و شوهر در مقابل فشارهای بیرونی می‌باشد اما چنانچه قواعد زیرمنظومه زن و شوهری خشک و بی‌روح و غیرقابل انعطاف باشد که نتوان از تجارب هر یک از زوجین در مراوده‌های برون خانوادگی بهره برد، آنگاه ممکن است «زوجین درون این منظومه» ناچار به استفاده از قوانین نامناسب بقا بر مبنای میثاق‌های قبلی شوند و تنها زمانی که از یکدیگر دور هستند مجاز باشند از «خویشتن» به گونه متفاوتی استفاده کنند (مینوچین، ۱۳۸۱: ۴۰-۳۹).

۳- زیر منظومه والدین (جزء کل والدین)^۱

در یک خانواده سالم، زیر منظومه زن و شوهری باید وظایف مربوط به تربیت کودک را بدون رها کردن حمایت متقابل از یکدیگر انجام دهند. مرز بین والدین و فرزند باید طوری ترسیم شود که به فرزند امکان دسترسی به پدر و مادر به طور توأمان را بدهد و در عین حال او را از داخل شدن در مواردی که مربوط به پدر و مادر است، بر حذر دارد (مینوچین، ۱۳۷۳: ۷۰).

در اینجا کودک می‌آموزد که از سایر کسانی که از قدرت و منابع بیشتری برخوردارند چه انتظاری داشته باشد. او همچنین می‌آموزد که اقتدار را پدیده‌ای عقلانی یا اختیاری در نظر بگیرد و می‌فهمد که آیا نیازهایش مورد حمایت دیگران قرار می‌گیرد یا خیر. در اینجاست که او با مؤثرترین و کارآمدترین شیوه‌های ارتباط درباره خواسته‌هایش به شیوه خاص خانواده آشنا می‌شود. احساس شایستگی در وی با توجه به نحوه برخورد و پاسخگویی بزرگترها به خواسته‌های او و تناسب این پاسخ‌ها با سن وی شکل می‌گیرد. همچنین کودک یاد می‌گیرد که چه رفتارهایی در خانواده مورد تشویق قرار می‌گیرد و چه رفتارهایی مورد تشویق قرار نمی‌گیرد. و اینکه کودک در

¹. Parental Molon

دوران زیرمنظومه والدین با شیوه برخورد خانواده‌اش با اختلاف نظرها آشنا می‌شود (مینوچین، ۱۳۸۰: ۴۱-۴۰).

چارچوب نظری تحقیق

نظریه‌هایی که آورده شد هر کدام قسمتی از عوامل اجتماعی مرتبط بر میزان اختلاف خانوادگی را توضیح می‌دهند.

دیدگاه یادگیری اجتماعی برفرآیند اختلاف از طریق مشاهده و تقلید تأکید می‌ورزد. از نظر این دیدگاه رفتار از طریق تقلید و تجربه مستقیم فرا گرفته می‌شود. افرادی که در دوران کودکی در خانواده‌ای که دچار اختلاف خانوادگی است رشد کنند، در بزرگسالی رفتاری از خود بروز می‌دهند که منجر به اختلاف می‌گردد و اختلاف را به عنوان روشی برای حل مشکل برمی‌گزینند. بنابراین بسیاری از افرادی که در خانواده اختلاف والدین را مشاهده یا تجربه کرده‌اند در بزرگسالی ممکن است که بیشتر از دیگر خانواده‌ها دچار اختلاف زناشویی گردند. از این نظریه برای آزمون اینکه آیا فردی که شاهد اختلاف خانوادگی بوده یا آن را تجربه کرده و رابطه آن با میزان اختلاف خانوادگی استفاده می‌شود.

براساس پایگاه اجتماعی - اقتصادی جامعه به اقشار و طبقات گوناگون تقسیم می‌شود. قشربنندی اجتماعی پدیده‌ای است که همه‌جا و همه وقت حضور دارد و با سایر نهادهای اجتماعی هم در ارتباط نزدیک است و پیامدهای مشخصی در زندگی اجتماعی دارد. طبقه اجتماعی از لحاظ زندگی عمومی بسیار اهمیت دارد و هنوز روشن‌ترین راهنما از حیث رفتار و بخت‌های زندگی محسوب می‌شود. با توجه به این که هر طبقه دارای خرده فرهنگ مخصوص به خود می‌باشد، بنابراین برداشت و طرز تفکر و عادات طبقاتی با هم متفاوت است. خانواده‌ها در هر طبقه برداشتی خاص از زندگی دارند و هر کدام به شکلی خاص به روابط زن و شوهر می‌نگرند. از آنجا که

طبقه اجتماعی با متغیرهای متعدد دیگری همبستگی دارد که احتمالاً در ازدیاد مشکلات خانوادگی در گروه‌ها و اقشار پایین‌تر جامعه نقش دارند، از نظریه فاریس و دانهام برای آزمون این فرضیه که بین پایگاه اجتماعی و میزان اختلاف خانوادگی رابطه وجود دارد استفاده می‌کنیم.

نظریه مهارت‌های ارتباطی تأکید اصلی را بر ارتباطات سالم در خانواده دارد. ارتباط صحیح اساس یک زندگی زناشویی موفق است. زن و مردی که از داشتن یک ارتباط صحیح با یکدیگر محروم هستند دارای رفتار ویژه‌ای هستند (یأس، ناامیدی، شکایت و انتقاد از یکدیگر). که سلامت روانی - اجتماعی خود و اعضای خانواده را مورد تهدید قرار می‌دهند. برآوردها نشان می‌دهد که در حدود ۹۰ درصد از زوج‌های در مانده، مشکلات ارتباطی را به عنوان یک مشکل عمده در روابط خود معرفی می‌کنند. از آنجا که ویرجینیاستیر به روابط بین اعضای خانواده به‌ویژه زن و شوهر توجه می‌کند و معتقد است در خانواده‌هایی که مهارت‌های ارتباطی بین آنها ضعیف باشد امکان اختلاف وجود دارد در این تحقیق از این نظریه برای آزمون فرضیه رابطه بین مهارت‌های ارتباطی بین زن و شوهر با میزان اختلاف خانوادگی استفاده می‌شود.

بر اساس نظریه خانواده درمانی، سیستم خانواده وظایف خود را از طریق زیر منظومه‌های خود متمایز و اجرا می‌کند، هر زیر منظومه خانواده دارای عملکرد یا نقش‌های به خصوصی است و از اعضای خود انتظارات به خصوصی دارد. زیر منظومه‌های خانواده عبارتند از: زیر منظومه پدربزرگ و مادربزرگ، زیرمنظومه زن و شوهری، زیرمنظومه والدین و زیرمنظومه فرزندان. در این پژوهش با استفاده از نظریه مینوچین به بررسی رابطه بین دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی و میزان اختلاف خانوادگی پرداخته می‌شود.

فرضیه‌های تحقیق

بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده و میزان اختلاف خانوادگی رابطه وجود دارد.

بین میزان یادگیری اختلاف در خانواده پدری و میزان اختلاف خانوادگی رابطه وجود دارد.

بین میزان مهارت‌های ارتباطی زن و شوهر و میزان اختلاف خانوادگی رابطه وجود دارد.

بین میزان دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی و میزان اختلاف خانوادگی رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

بر اساس ماهیت و روش، تحقیقات علمی را می‌توان به چند گروه تقسیم‌بندی کرد که یکی از این گروه‌های تحقیق پیمایشی است. تحقیق پیمایشی یکی از روش‌های گردآوری، تنظیم و تحلیل داده‌هاست. داده‌های مربوط را می‌توان از طریق فنون متعددی گردآوری کرد و در بسیاری از مطالعات چه بسا استفاده از چند روش تحقیق گوناگون مناسب باشد. با توجه به این که در این پژوهش به جمع‌آوری داده‌ها و سپس به تحلیل آن‌ها باید پرداخته می‌شد، از روش پیمایشی استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش خانوارهای ساکن شهر بوشهر که دارای فرزند هستند می‌باشد. بر اساس آخرین آمار سرشماری تعداد خانوارهای ساکن شهر بوشهر ۲۸۰۸۱ خانوار می‌باشد (سرشماری عمومی، ۱۳۸۵: ۳۹).

برای تعیین حجم نمونه «با به کارگیری فرمول کوکران» حجم نمونه با خطای ۵ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد ۳۶۷ نفر بر آورد گردید. با این حال جهت افزایش اعتبار داده‌های گردآوری شده و کاهش خطای نمونه‌گیری تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند.

روش نمونه‌گیری

نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای می‌باشد. پس از کسب اطلاعاتی درباره تعداد بلوک‌هایی که در شهر بوشهر وجود دارد، به دست آورد از بین بلوک‌ها نمونه‌گیری به عمل آمد. بدین ترتیب در مطالعه مقدماتی روی جامعه آماری مشخص شد که واریانس عوامل اجتماعی بین بلوک‌ها متفاوت نیست و با هم برابر است. بر اساس این تشخیص از تعداد کل بلوک‌ها که ۲۴۷۰ بلوک بود به طور تصادفی یک بلوک انتخاب شد. بر اساس حجم نمونه مورد نیاز از بین خانوارهای ساکن در بلوک که ۸۰۰ خانوار بودند دو در میان به صورت سیستماتیک یک خانوار انتخاب شد؛ تا اینکه ۴۰۰ خانوار انتخاب و پرسشنامه را تکمیل کردند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

از آن جا که جمع‌آوری اطلاعات در زمینه اختلاف خانوادگی نیاز به ایجاد ارتباط با خانواده‌ها دارد تا سبب جلب اعتماد شود، در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه محقق ساخته استفاده شده است. مصاحبه ساخته شده، بر اساس سوال‌هایی است که محقق طراحی و سازماندهی کرده است.

پایایی و اعتبار پرسشنامه

برای سنجش میزان پایایی متغیرهای پژوهش از آلفای کرونباخ استفاده شد، مقدار آلفای متغیرها به شرح زیر است:
 اختلاف خانوادگی ۰/۹۵، یادگیری اختلاف ۰/۸۶، مهارت‌های ارتباطی ۰/۹۰،
 دخالت اطرافیان ۰/۹۲.

برای سنجش اعتبار متغیرهای پژوهش از روش اعتبار صوری استفاده گردید.

تکنیک‌های آماری

در این پژوهش از دو تکنیک آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است.
 در بخش آمار توصیفی از میانگین، مد، میانه و انحراف معیار بهره‌جسته‌ایم و در
 بخش تحلیلی با توجه به سطح سنجش از آزمون کندال ($\tau\text{-b}$) و رگرسیون چند
 متغیره استفاده کرده‌ایم.

یافته‌های تحقیق

مطالب این بخش در دو قسمت تنظیم شده است. الف: روابط موجود بین
 متغیرهای مستقل تحقیق و متغیر وابسته بررسی می‌گردد. ب: در قالب دستگاه تحلیل
 رگرسیونی چند متغیره، روابط یاد شده مجدداً ارزیابی شده و تأثیرات مستقیم و
 غیرمستقیم هر یک از متغیرهای مستقل بر میزان اختلاف خانوادگی مورد مطالعه قرار
 می‌گیرد.

الف) نتایج تحلیلی تحقیق

جدول ۱- توزیع فراوانی جمعیت مورد مطالعه برحسب میزان مهارت‌های ارتباطی زن و شوهر و میزان اختلاف خانوادگی

میزان اختلاف خانوادگی	میزان مهارت‌های ارتباطی زن و شوهر	کم	متوسط	زیاد	جمع
کم	۱۳	۹۸	۱۶۳	۲۷۴	
درصد	۴/۷	۳۵/۸	۵۹/۵	۶۸/۵	
متوسط	۲۹	۵۷	۲۳	۱۰۸	
درصد	۲۶/۹	۵۲/۸	۲۰/۴	۲۷	
زیاد	۱۱	۷	۰	۱۸	
درصد	۶۱/۱	۳۸/۹	۰	۴/۵	
جمع	۵۳	۱۶۲	۱۸۵	۴۰۰	

Kendall tau-b = -۰/۴۳۹

dF = ۴

Sig= ۰/۰۰۰

بر اساس جدول ۱ از بین تمام پاسخگویانی که از مهارت‌های ارتباطی کمی برخوردارند، ۴/۷ درصد دارای اختلاف خانوادگی کم، ۲۶/۹ درصد دارای اختلاف خانوادگی متوسط و ۶۱/۱ درصد دارای اختلاف خانوادگی زیاد هستند. از بین تمام پاسخگویانی که میزان مهارت‌های ارتباطی آنها متوسط می‌باشد، ۳۵/۸ درصد دارای اختلاف خانوادگی کم، ۵۲/۸ درصد دارای اختلاف خانوادگی متوسط و ۳۸/۹ درصد دارای اختلاف خانوادگی زیاد هستند. همچنین از بین تمام پاسخگویانی که مهارت‌های ارتباطی زیادی دارند، ۵۹/۵ درصد دارای اختلاف خانوادگی کم، ۲۰/۴ درصد دارای اختلاف خانوادگی متوسط بوده و اختلاف خانوادگی زیاد نیز صفر می‌باشد. با توجه به

جدول ۱ دیده می‌شود که هر چقدر میزان مهارت‌های ارتباطی بالاتر باشد میزان اختلاف خانوادگی به طور چشمگیری کاهش می‌یابد و یک رابطه منفی معناداری بین دو متغیر یاد شده وجود دارد. داده‌های جدول ۱ نشانگر آن است که بین دو متغیر میزان اختلاف خانوادگی و میزان مهارت‌های ارتباطی زن و شوهر رابطه وجود دارد. برای آزمون رابطه بین دو متغیر از آزمون همبستگی رتبه‌ای کندال (tau-b). استفاده شده است. کندال محاسبه شده (-/۴۳۹) با سطح خطای بالا (sig = ۰/۰۰۰) تأیید کننده فرضیه مربوطه می‌باشد. پس می‌توان با ۹۹ درصد اطمینان گفت که بین میزان مهارت‌های ارتباطی زن و شوهر و میزان اختلاف خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد، به طوری که هر چه میزان مهارت‌های ارتباطی بالا باشد، میزان اختلاف خانوادگی کمتر است و بدین صورت که میزان مهارت‌های ارتباطی به صورت معکوس عمل می‌کنند. این یافته تأییدی بر نظریه «ویرجینیاستیر»، «اریک برن» و «واتریک» است.

جدول ۲- توزیع فراوانی جمعیت مورد مطالعه بر حسب میزان دخالت اطرافیان در

زندگی زناشویی و میزان اختلاف خانوادگی

جمع	زیاد	متوسط	کم	میزان دخالت اطرافیان در
				میزان زندگی زناشویی اختلاف خانوادگی
۲۷۴	۳۲	۱۰۱	۱۴۱	کم
۶۸/۵	۵۰	۷۱/۶	۷۲/۳	درصد
۱۰۸	۳۰	۳۶	۴۲	متوسط
۲۷	۴۶/۹	۲۵/۵	۲۱/۵	درصد
۱۸	۳/۱	۴	۱۲	زیاد
۴/۵		۲/۸	۶/۲	درصد
۴۰۰	۶۴	۱۴۱	۱۹۵	جمع

Kendall tau-b = -۰/۱۰۳

dF = ۴

Sig= ۰/۰۳۴

داده‌های جدول ۲ بیانگر آن است که بین دو متغیر میزان اختلاف خانوادگی و میزان دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی رابطه وجود دارد. برای سنجش رابطه بین دو متغیر از آزمون همبستگی رتبه‌ای کندال (tau-b) استفاده شده است. کندال محاسبه (۰/۱۰۳) با سطح خطای بالا (Sig=۰/۰۳۴) تأیید کننده فرضیه مربوطه می‌باشد. پس با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت بین میزان دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی و میزان اختلاف خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد، به طوری که هر چه میزان دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی کمتر شود، میزان اختلاف خانوادگی نیز کاهش می‌یابد و این ارتباط به صورت مستقیم می‌باشد.

این نتیجه با نتیجه تحقیق، مهین موسوی (۱۳۵۶)، مرجان خلیلی (۱۳۷۸)، فرجاد (۱۳۷۲)، ساروخانی (۱۳۷۲) مشابه می‌باشد، از طرفی با نتیجه تحقیق شهرام ملانیا (۱۳۸۲)، بیاتی (۱۳۶۲) مشابه نمی‌باشد. همچنین این فرضیه تأییدی بر نظریه (مینو چین) و (ماری بوئن) می‌باشد.

جدول ۳- توزیع فراوانی جمعیت مورد مطالعه برحسب میزان یادگیری اختلاف در خانواده

پدیری و میزان اختلاف خانوادگی

جمع	زیاد	متوسط	کم	میزان یادگیری اختلاف در
				میزان خانواده پدیری اختلاف خانوادگی
۲۷۴	۲۳	۱۵۰	۱۰۱	کم
۶۸/۵	۸/۴	۵۴	۳۶	درصد
۱۰۸	۲۷	۵۳	۲۸	متوسط
۲۷	۲۵	۴۹/۱	۲۵/۹	درصد
۱۸	۳	۱۰	۵	زیاد
۴/۵	۱۶/۷	۵۵/۶	۲۷/۸	درصد
۴۰۰	۵۳	۲۱۳	۱۳۴	جمع

Kendall tau-b = -۰/۱۵۹

dF = ۴

Sig= ۰/۰۰۱

یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که بین دو متغیر میزان اختلاف خانوادگی و میزان یادگیری اختلاف در خانواده پدری رابطه وجود دارد. برای سنجش رابطه بین دو متغیر از آزمون همبستگی رتبه‌ای کندال (tau-b) استفاده شده است. کندال محاسبه شده (۰/۱۵۹) و با سطح خطای بالا (sig=۰/۰۰۱) تأیید کننده فرضیه مربوطه می‌باشد. پس می‌توان با ۹۹ درصد اطمینان گفت که بین میزان یادگیری اختلاف در خانواده پدری و میزان اختلاف خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد، به طوری که هر چقدر میزان یادگیری اختلاف در خانواده پدری کمتر باشد، میزان اختلاف نیز کمتر است. این رابطه به صورت مستقیم می‌باشد. بنابراین این رابطه تأییدی بر فرضیه یاد شده می‌باشد. این نتیجه با نتیجه تحقیق مرجان خلیلی (۱۳۷۸) مشابه می‌باشد. وجود رابطه بین یادگیری اختلاف در خانواده پدری و میزان اختلاف خانوادگی در واقع تأییدی بر نظریه یادگیری اجتماعی است.

جدول ۴- توزیع فراوانی جمعیت مورد مطالعه بر حسب پایگاه اجتماعی و میزان اختلاف

خانوادگی

میزان اختلاف خانوادگی	پایگاه اجتماعی خانواده			جمع
	پایین	متوسط	بالا	
کم	۵۰	۱۵۴	۷۰	۲۷۴
درصد	۵۶/۸	۷۶/۲	۶۳/۶	۶۸/۵
متوسط	۳۰	۴۱	۳۷	۱۰۸
درصد	۳۴/۱	۲۰/۳	۳۳/۶	۲۷
زیاد	۸	۷	۳	۱۸
درصد	۹/۱	۳/۵	۲/۷	۴/۵
جمع	۸۸	۲۰۲	۱۱۰	۴۰۰

Kendall tau-b = -۰/۴۲

dF = ۴

Sig= ۰/۴۰۶

بر اساس جدول ۴ از بین تمام پاسخگویانی که دارای پایگاه اجتماعی پایین می‌باشند، ۵۶/۸ درصد دارای ختلاف خانوادگی کم، ۳۴/۱ درصد دارای اختلاف خانوادگی متوسط و ۹/۱ درصد دارای اختلاف خانوادگی زیاد هستند. از بین تمام پاسخگویانی که پایگاه اجتماعی متوسط دارند، ۷۶/۲ درصد دارای اختلاف خانوادگی کم، ۲۰/۳ درصد دارای اختلاف خانوادگی متوسط و ۳/۵ درصد دارای اختلاف خانوادگی زیاد هستند. همچنین از بین تمام پاسخگویانی که پایگاه اجتماعی بالا دارند، ۶۳/۶ درصد دارای اختلاف خانوادگی کم، ۳۳/۶ درصد دارای اختلاف خانوادگی متوسط، ۲/۷ درصد دارای اختلاف خانوادگی زیاد هستند.

یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که بین دو متغیر میزان اختلاف خانوادگی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی رابطه‌ای وجود ندارد. برای آزمون فرضیه بین دو متغیر از آزمون همبستگی رتبه‌ای کندال (tau-b) استفاده شده است. کندال محاسبه شده (۰/۰۴۲-) با سطح خطای بالا (sig=۰/۴۰۶) نشان می‌دهد که فرضیه مربوطه تأیید نمی‌شود، پس می‌توان گفت که بین میزان پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده و میزان اختلاف خانوادگی رابطه معناداری وجود ندارد. به طوری که از نظر آماری فرضیه بالا تأیید نمی‌شود. ولی با توجه به جدول ۴ می‌توانیم به این نکته پی ببریم که هرچقدر پایگاه اجتماعی خانواده بالا می‌رود، میزان اختلاف کمتر می‌شود.

این نتیجه با نتیجه تحقیق «گلدبرگ و موریس» مشابه می‌باشد و از طرفی با نتیجه تحقیق خون چمن همسو نیست. پس این فرضیه مورد تأیید واقع نشد. اما می‌بایست به این نکته توجه کرد که هر چقدر افراد از نظر رفاهی و اجتماعی در سطح بالاتری باشند، میزان اختلاف خانوادگی‌شان کمتر است؛ زیرا یک رابطه منفی بین آنها وجود دارد. جدول ۴ نیز چنین چیزی را نشان می‌دهد. پاسخگویانی که دارای پایگاه اجتماعی بالایی بوده‌اند (۶۳/۶ درصد) دارای اختلاف خانوادگی کم می‌باشند، این امر اهمیت پایگاه اجتماعی را می‌رساند.

ج) تحلیل رگرسیونی

جدول ۵- مدل تحلیلی

Model	R	R square	Adjusted R square	Std.Error of the Estimate
۱	۰/۶۱۴	۰/۳۷۸	۰/۳۷۱	۱۳/۶۳

با توجه به جدول ۵ دیده می‌شود که ضریب تعیین برابر با ($R^2=0/378$) می‌باشد. مقدار ضریب نشان می‌دهد که ۳۷/۸ درصد تغییرات در میزان اختلاف خانوادگی به این چهار متغیر یعنی میزان مهارت‌های ارتباطی زن و شوهر، میزان دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی، میزان یادگیری اختلاف در خانواده پدری و میزان پایگاه اجتماعی - اقتصادی مربوط می‌باشد و بقیه (۶۲/۲ درصد) به عوامل دیگر بستگی دارد که به آنها توجه نگردیده است.

بحث و نتیجه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش خانواده‌های ساکن شهر بوشهر هستند که تعداد کل خانواده‌ها ۲۸۰۸۱ می‌باشد که تعداد ۴۰۰ خانواده مورد مطالعه قرار گرفتند. متغیر وابسته یعنی اختلاف خانوادگی دارای دامنه ۹۶-۰ است که براساس میانگین به سه گروه تقسیم شده است. توزیع فراوانی نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی درصد میزان اختلاف خانوادگی مربوط به گروه کم با ۶۸/۵ درصد می‌باشد و پس از آن گروه متوسط با ۲۷ درصد و گروه زیاد با ۴/۵ درصد رتبه‌های بعد را به خود اختصاص داده‌اند. با این تفاسیر نمونه مورد مطالعه به لحاظ میزان اختلاف خانوادگی در سطح کم قابل ارزیابی است. و نتیجه این تحقیق با تحقیق مرجان خلیلی همسو می‌باشد. از سه متغیر آزمایشی، شغل و تحصیلات همسر افراد مورد مطالعه (زنان) پایگاه اجتماعی -

اقتصادی آنها محاسبه گردید که در حدود ۲۲ درصد در پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین، ۵۰/۵ افراد در پایگاه اجتماعی - اقتصادی متوسط و ۲۷/۵ درصد در پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا قرار گرفتند. ۳۳/۵ درصد پاسخگویان میزان یادگیری اختلاف در خانواده پدری را کم، ۵۳/۳ درصد، میزان یادگیری اختلاف را متوسط و ۱۳/۳ درصد میزان یادگیری اختلاف را زیاد دانستند.

افرادی مورد مطالعه، ۴۸/۷۵ درصد میزان دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی را کم، ۳۵/۲۵ درصد میزان دخالت را متوسط و ۱۶ درصد میزان دخالت را زیاد ارزیابی کرده اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حدود ۸۴ درصد افراد مورد مطالعه میزان دخالت را متوسط به پایین دانسته اند به طوری که بیشترین فراوانی مربوط به دخالت کم با ۴۸/۷۵ درصد می‌باشد.

میزان مهارت‌های ارتباطی افراد مورد مطالعه نشان می‌دهد که ۱۳/۳ درصد دارای مهارت‌های ارتباطی کم، ۴۰/۵ درصد دارای مهارت‌های ارتباطی متوسط و ۴۶/۲ درصد دارای مهارت ارتباطی زیاد می‌باشند. حدود ۸۶/۷ درصد افراد دارای مهارت‌های ارتباطی متوسط به بالا هستند که بیشترین فراوانی مربوط به مهارت‌های زیاد با ۴۶/۲ درصد می‌باشد.

مسئله مهمی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته این است که آیا بین عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان اختلاف خانوادگی رابطه وجود دارد یا خیر؟ در این پژوهش سعی شد به این سؤال اصلی پاسخ داده شود. یافته‌های تحقیق نشان داد که با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین عوامل اجتماعی مؤثر و میزان اختلاف خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد. در این قسمت نتایج حاصل از فرضیات ارائه می‌شود: بین میزان یادگیری اختلاف در خانواده پدری و میزان اختلاف خانوادگی رابطه وجود دارد. یافته‌های حاصل از این تحقیق وجود رابطه بین مشاهده یا تجربه اختلاف در کودکی با میزان اختلاف خانوادگی را مورد تأیید قرار می‌دهد، که تأییدی است بر نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت باندورا که بر تأثیر مشاهده و تجربه اختلاف خانوادگی تأکید

می‌کند. بدین ترتیب احتمال داشتن اختلاف خانوادگی در افرادی که شاهد اختلاف والدین شان بوده اند و یا خود آن را تجربه کرده اند، نسبت به افرادی که شاهد اختلاف نبوده یا آن را تجربه نکرده‌اند، بیشتر است.

اندیشه و ایده اصلی این رویکرد آن است که رفتار شخص محصول یادگیری‌های پیشین اوست. رفتار کنونی، شکل گرفته به وسیله تجربه‌های گذشته است. در هر موقعیتی، شخص رفتارهای معینی را می‌آموزد که بر اثر تکرار ممکن است به صورت عادت درآیند. وقتی شخص بعداً دوباره در آن موقعیت قرار بگیرد، سعی خواهد کرد که همان رفتار عادت شده خود را تکرار کند (کریمی، ۱۳۷۳: ۴۷). در این صورت افراد، اختلاف خانوادگی را به عنوان روش حل مسأله انتخاب می‌کنند. به عبارتی دیگر هرچقدر یادگیری اختلاف کمتر باشد، میزان اختلاف خانوادگی نیز کمتر است و هر چقدر یادگیری اختلاف بیشتر باشد میزان اختلاف خانوادگی نیز بیشتر است.

بین میزان دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی و میزان اختلاف خانوادگی رابطه وجود دارد. بدین معنی که هر چقدر میزان دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی بیشتر باشد، میزان اختلاف خانوادگی نیز بیشتر است و هر چقدر میزان دخالت دیگران در زندگی زناشویی کمتر باشد، میزان اختلاف خانوادگی نیز کمتر می‌شود. یافته‌های پژوهش تأیید کننده فرضیه مربوطه می‌باشد. این فرضیه تأییدی است بر نظریه مینوچین که بر دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی و ارتباط آن با اختلاف خانوادگی تأکید می‌کرد.

بیشتر پژوهش‌های انجام شده در ایران این مورد را منعکس کرده اند که دخالت دیگران مانند اقوام و آشنایان، والدین زن یا شوهر موجب شعله ور شدن اختلاف زن و شوهر می‌گردد و در نهایت به طلاق و جدایی منجر خواهد شد. گاهی اوقات حضور مادرشوهر، پدرشوهر، مادرزن و پدرزن با وجود علاقه به فرزندان خود در زندگی مشترک آنان مزاحمت‌ها و آسیب‌هایی را به وجود می‌آورند (به پژوه، ۱۳۸۱: ۶۵). در

این رابطه گاهی کسانی دخالت می‌کنند که ظاهراً قصد اصلاح و خیرخواهی دارند ولی به علت خامی و نپختگی موجب پیدایش اختلاف می‌شوند.

بین مهارت‌های ارتباطی زن و شوهر و میزان اختلاف خانوادگی رابطه وجود دارد. بدین معنی که هر چقدر میزان مهارت‌های ارتباطی افراد بالاتر باشد، میزان اختلاف خانوادگی آنها کمتر می‌باشد. یافته‌های این پژوهش تأیید کننده این فرضیه می‌باشد، این نتیجه تأییدی بر نظریه ستیر و برن، است. کول معتقد است افراد به ویژه زن و شوهر هر چقدر بهتر با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، مسؤولیت‌ها را بهتر به مرحله اجرا می‌گذارند و در نتیجه در زندگی موفق تر خواهند بود. نحوه ارتباط افراد در میزان حمایت و کمکی که از سوی دیگران دریافت می‌کنند، مستقیماً تأثیر می‌گذارد و راهی می‌گشاید تا افکار آنها به سهولت مجال تجلی یابند، پذیرفته شوند و در نتیجه تحقق پذیرند. تحقیقات نشان می‌دهد که قریب هفتاد درصد از مشکلات ناشی از ارتباط ضعیف است (Nicolas 8 gray, 1991: 48).

بدین ترتیب مشخص می‌شود که میزان مهارت‌های ارتباطی یکی از عوامل مهم در میزان اختلاف خانوادگی به شمار می‌آید.

بین پایگاه اجتماعی خانواده و میزان اختلاف خانوادگی رابطه وجود دارد. بدین معنی که هر چقدر پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده بالاتر باشد، میزان اختلاف خانوادگی‌شان نیز کمتر می‌باشد. یافته‌های این تحقیق فرضیه را تأیید نمی‌کند. از نظر آماری رابطه‌ای بین میزان پایگاه اجتماعی با میزان اختلاف خانوادگی وجود ندارد اما جدول مربوطه نشان داد که هرچقدر میزان پایگاه اجتماعی خانواده بالا می‌رود میزان اختلاف خانوادگی کاهش می‌یابد. این نتیجه با نتایج تحقیق گلدبرگ و موریسون همسو می‌باشد، ولی با نظریه فاریس و دانهام و میلر غیر همسو می‌باشد.

در پایان تجزیه و تحلیل داده‌ها برای یافتن تأثیر متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده که نتایج تحلیل بیانگر این است که در این پژوهش ۳۷/۸ درصد عوامل تأثیرگذار بر روی میزان اختلاف خانوادگی

پیش‌بینی شده است و مهمترین متغیرهای اثرگذار به ترتیب عبارتند از: میزان مهارت‌های ارتباطی، میزان دخالت دیگران در زندگی زناشویی و پایگاه اجتماعی خانواده و میزان یادگیری اختلاف در خانواده پدری. بنابراین رابطه بین مهارت‌های ارتباطی با میزان اختلاف خانوادگی رابطه منفی و معنادار و دخالت دیگران در زندگی زناشویی و میزان اختلاف خانوادگی رابطه مثبت و معنادار دیده شد. از نظر آماری رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان اختلاف خانوادگی تایید نشد ولی تحلیل رگرسیون نشان داد که رابطه این متغیر منفی می‌باشد. و سرانجام این که یادگیری اختلاف در خانواده پدری با میزان اختلاف خانوادگی دارای رابطه مثبت و معنادار می‌باشد.

پیشنهادها

- اکنون با توجه به مطالعات نظری و تحلیل یافته‌ها و نتایج حاصل از این پژوهش، پیشنهادهایی به صورت کاربردی ارائه می‌شود.
- ۱- سالم سازی و برقراری رابطه انسانی همسر و اعضای خانواده مهمترین عامل حفظ سلامت و شادابی آن است. که از طریق آموزش رسانه‌های جمعی می‌تواند گام موثری در پیشگیری از اختلاف خانوادگی باشد.
 - ۲- تدوین مطالب علمی ساده و مناسب برای خانواده‌ها درباره راه‌های پیشگیری از اختلاف خانوادگی و روش‌های عملی حل آن.
 - ۳- تمهید خدمات محلی به منظور ارتقاء کمی و کیفی مشارکت زنان خانه دار در جامعه.
 - ۴- بالا بردن سطح آگاهی و دانش عمومی خانواده نسبت به پیا مدهای اختلاف خانوادگی بر اعضای خانواده و جامعه.

۵- ارائه خدمات مشاوره‌ای به خانواده‌هایی که دچار اختلاف خانوادگی هستند (از طرف سازمان‌های ذی‌ربط)؛

با توجه به اینکه میزان اختلاف خانوادگی در خانواده‌ها متفاوت می‌باشد نیاز است که متناسب با شدت اختلاف، مددکاران اجتماعی به ارائه خدمات مشاوره‌ای به خانواده‌ها بپردازند. ضمناً می‌توان از طریق روش مددکاری فردی و گروهی به ارائه خدمات مشاوره‌ای به خانواده‌ها اقدام نمود، البته خانواده‌هایی که دچار اختلاف زیاد می‌باشند نیاز است که تعداد جلسات بیشتری را به صورت فردی و گروهی طی نمایند.

۶- مداخله در بحران در زمینه‌های اختلاف خانوادگی توسط مددکاران اجتماعی سازمان بهزیستی و نیروی انتظامی و سازمان‌هایی که به نوعی مرتبط با موضوع می‌باشند؛ مداخله‌های مددکاری اجتماعی به طور کلی برای مددجویانی که در بحران هستند شکل می‌گیرد. مداخله در بحران در سطح پیشگیری ثانویه برای افراد در بحران کمک بزرگی محسوب می‌شود. در این زمینه نقش مددکار اجتماعی عبارت است از: ارائه اطلاعات و تدابیر لازم، فعال بودن، اداره کردن و نظام دهنده بودن و در برخی موارد برگزاری جلسات محدود، مثلاً چهار تا شش جلسه می‌تواند مناسب باشد.

۷- تبیین پیامدهای منفی اختلاف خانوادگی برای والدین؛

از آنجا که بنیان‌های اصلی و اساسی شخصیت افراد در خانواده پیریزی می‌شود از خانواده‌ها انتظار می‌رود که از ناسازگاری زناشویی آن‌هم در حضور فرزندان خودداری نمایند. این امر میسر نمی‌شود مگر این که بخشی از آثار اختلاف در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی برای والدین تشریح گردد، این اقدام از طریق نقش آموزش دهنده مددکاری اجتماعی قابل اجرا می‌باشد.

۸- برگزاری کارگاه‌های آموزشی مهارت‌های ارتباطی و حل مسأله برای خانواده‌ها و فرزندان‌شان.

منابع

- برنشتاین، فیلیپ؛ اچ، برنشتاین؛ مارس، تی. (۱۳۸۲)، *زناشویی درمانی، شناخت و درمان اختلافات زناشویی*، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- بولتون، رابرت. (۱۳۸۲)، *روان شناسی روابط انسانی*، ترجمه: حمیدرضا بهرامی، افسانه حیات روشنایی تهران: انتشارات رشد.
- فرجاد، محمدحسین. (۱۳۷۲)، *آسیب شناسی اجتماعی، ستیزه‌های خانوادگی و طلاق*، تهران: انتشارات منصوری.
- به پژوه، احمد. (۱۳۸۱)، *آسیب شناسی خانواده و پیشگیری از ستیزه‌های خانوادگی (خانواده و فرزندان در دوره پیش دبستان)*، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- پناهی، محمدحسین. (۱۳۸۰)، *فاصله نسلی و اختلافات خانوادگی و چگونگی برخورد با آن - فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)*، سال یازدهم، شماره ۳۷ و ۳۸ بهار و تابستان.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۲)، *طلاق، پژوهش در شناخت واقعیت و عوامل آن*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سروستانی صدیق، رحمت‌الله. (۱۳۸۸)، *آسیب شناسی اجتماعی*، انتشارات سمت.
- ستوده، هدایت. (۱۳۸۳)، *جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران*، انتشارات ندای آریانا.
- ستیر، ویرجینیا. (۱۳۸۲)، *آدم‌سازی در روان شناسی خانواده*، ترجمه: بهروز میرشک، انتشارات رشد.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۷۹)، *روان شناسی پرورشی، یادگیری و آموزش*، تهران: انتشارات آگاه.

- Archive of SID
- کریمی، یوسف. (۱۳۷۳)، روان شناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)، انتشارات بعثت.
 - کوکرین، ریموند. (۱۳۷۶)، مبانی اجتماعی بیماریهای روانی، ترجمه: بهمن نجاریان و فرید براتی سده، تهران: انتشارات رشد.
 - کوزر، لوئیس، روزنبرگ، برنارد. (۱۳۸۳)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه: فرهنگ ارشاد تهران: نشر نی.
 - گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، نشر نی.
 - گاتمن، جان. (۱۳۷۷)، چرا ازدواج موفق، چرا ازدواج ناموفق، ترجمه: مهرداد فیروزبخت، انتشارات ایحد.
 - معظمی، شهلا. (۱۳۸۲)، فرار دختران چرا؟، نشر گرایش.
 - محسنی، منوچهر. (۱۳۷۱)، مقدمات جامعه‌شناسی، نشر چاپاک.
 - محسنی، منوچهر. (۱۳۷۸)، وضعیت تحقیقات فرهنگی - اجتماعی در ایران، تهران: نشر سازش.
 - موسوی، اشرف سادات. (۱۳۸۲)، خانواده درمانی کاربردی با رویکرد سیستمی، انتشارات دانشگاه الزهراء پژوهشکده زنان.
 - هولاب، رابرت. (۱۳۷۸)، یورگن هابرماس، نقد در حوزه عمومی، ترجمه: حسین بشیریه، نشر نی.
 - مینوچین، سالوادر، نیشمن اچ چارلز. (۱۳۸۱)، فنون خانواده درمانی، ترجمه: فرشاد بهاری، فرح سیا، تهران: انتشارات رشد.
 - مینوچین، سالوادر. (۱۳۸۰)، خانواده و خانواده درمانی، ترجمه: باقر ثنایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
 - مینوچین، سالوادر. (۱۳۷۳)، خانواده و خانواده درمانی، ترجمه: باقر ثنایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- خلیلی، مرجان. (۱۳۷۸). تضاد در خانواده با تأکید بر تضاد میان همسران و عوامل مؤثر بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- ملانیا، شهرام. (۱۳۸۵). ناسازگاری زوجین، علل و عوامل، همراه با بررسی میدانی در شهرستان ساری، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- Gillin , P (1997). **Family work & Social work**. www. Find article.com
- Markman, H.J. Floyd, F.J. Stanley, S.M& Storrasli, R.D (1998). **Jurnal of consulting and clinical psychology** 56.
- Gottman J.G (1979). **Empirical investigation. of marriage**. new york: Academic press.
- Lock, Harvey J. and M ariel marker prang (1949). Mental Adjustment and the Employed wife: **American Journal of Sociology** 56.
- Nicolas.p.clark and B Gray-Little (1991). "Effect of Economic Resources on Marital quality in Black Married couples". **Journal of Marriage and the Family**, Vol.53.
- Plubidis, G&Abbott, R& Huppert, F (2007). **Improvements in Social functioning reported by a birth cohort in mid-adult life**. Personality and Individual Differences.
- Coldberg, D.P.,& Hillier, V.F (2002). **Ascaled version of the General Health Questionnaire**. Psychological Medicine.
- Whittington, J& Huppert, F (2003). **Creating invariant Subscales of the GHQ** Medvol.